

رساله

# سماحت از دیدگاه اسلام



آية الله العظمى سيد رضا حسيني نسب



# پیشگفتار

واژه "سماحت" در لغت، به معنای جود و بخشندگی است. برخی از دانشمندان نیز، آن را به معنای سهولت و آسانی دانسته اند.

اما سماحت در اصطلاح، به معنای مدارا در تعامل با مردم، و ملایمت در برخورد با دیگران، و آسان گرفتن امور در رفتارهای اجتماعی است. معنای دیگر اصطلاحی آن، بخشش بدون قید و شرط است.

بنا بر این، لازمه سماحت، خوش قلب بودن، شرح صدر، ملایمت، و تواضع در برخورد با مردم می باشد.

دین مبین اسلام، مکتب سماحت است و پیروان خود را به احراز این صفت زیبا و اخلاق پسندیده دعوت می کند.

این پدیده ارزشمند، همان است که در دنیای غرب، به عنوان (Tolerance) شناخته می شود، و نظام

های پیشرفته جهان، آن را در قوانین اساسی خود  
به عنوان یک اصل مترقی درج می نمایند.  
اسلام، نخستین آئینی است که این اصل انسانی  
را در سطحی گسترده و با مفهومی عمیق، ارائه  
نموده است.

پیامبر گرامی اسلام در این زمینه چنین می فرماید:  
"إِنِّي أُرْسِلْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ".

یعنی: من با شریعت حق گرا و سهل و آسان  
فرستاده شده ام.

و در جای دیگر، چنین می فرماید:

"أَحَبُّ الدِّينِ إِلَى اللَّهِ الْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ". (کتاب وسائل  
الشیعة ، کتاب الطهارة ، أبواب الماء المضاف ، باب 8 ، حدیث  
3).

یعنی: بهترین و محبوب ترین آئین، شریعت حق گرا  
و همراه با سماحت است.

روشن است که عمل بر اساس این اندیشه پیشرو،  
جوّ جامعه بشری را تلطیف می کند، و نشاط و

شادابی را به انسان ها اهدا می نماید، و امنیت و آسایش را برای همگان به ارمغان می آورد.

نظر به اهمیت این بحث، و به خاطر مقابله با تبلیغات مسموم رسانه ها و دستگاه های ارتباط جمعی معاند که سعی می کنند اسلام را به عنوان دین خشونت طلب معرفی کنند، تصمیم گرفتیم این رساله موجز را تدوین و منتشر سازیم، و برای جویندگان حقیقت ثابت کنیم که اسلام دین سماحت و مدارا، و آئین صلح و زندگی است.

\*\*\*\*\*

## سماحت در قرآن

قرآن مجید، در دو بُعد، مبحث سماحت را مورد تاکید قرار می دهد:

1. بُعد نخست اینکه قرآن، شارع مقدّس اسلام را به عنوان صاحب بخشش، آمرزش، کرامت و بزرگواری، و رحمت و مهربانی معرفی می کند و بر این نکته تاکید می ورزد که خداوند، بر مبنای این صفات زیبا که نمادها سماحت به شمار می روند، با بندگان خود رفتار خواهد نمود.
2. بعد دوم اینکه بر همه مسلمانان و حاکمان اسلامی لازم است تا رفتار خود را با دیگران، بر اساس سماحت و مدارا استوار سازند و از خشونت و تندروی بپرهیزند.

اینک، به نصّ برخی از آیات شریفه قرآن در این زمینه، اشاره می نمایم:

در آیه 22 از سوره مبارکه نور، چنین می خوانیم:

وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَصْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَّا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ.

یعنی: آنان که از میان شما دارای برتری و تمکن هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند؛ آنها باید عفو کنند و چشم پوشی نمایند؛ آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است.

در آیه 78 از سوره مبارکه حج، چنین آمده است:

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أَيْكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ.

یعنی: خداوند در امر دین، سختی و مشقت بر شما قرار نداده است؛ از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی، مسلمان نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد، و شما گواهان بر مردم! پس نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و به خدا تمسک جوید، که او مولا و سرپرست شماست، مولایی خوب و یآوری شایسته.

همچنین، در آیه 199 از سوره اعراف، می فرماید:  
**خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ.**  
یعنی: با آنها با گذشت و مدارا رفتار کن و به خوبی فرمان ده، و از جاهلان روی بگردان.

در آیه 109 از سوره بقره نیز، چنین آمده است:  
**وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الْبَقْرَةَ.**



یعنی: بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد، آرزو کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند؛ با اینکه حق برای آنها آشکار شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید؛ تا خداوند فرمان خودش را بفرستد؛ خداوند بر هر چیزی تواناست.

در آیه 34 از سوره مبارکه فصلت، چنین می خوانیم:  
وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ  
فَإِذَا الَّتِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

یعنی: هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی پاسخ ده، ناگاه همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی و صمیمیت برقرار خواهد شد.

از جمله آیات قرآنی در این زمینه، آیه 6 از سوره مائده است که چنین می فرماید:

"مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ  
وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ".

یعنی: خداوند نمی‌خواهد مشقت و گرفتاری برای شما ایجاد کند؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ باشد که شکر او را بجا آورید.

آیه دیگر در این زمینه، کلام خداوند در سوره بقره،  
آیه شماره 185 به شرح ذیل است:

"يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ".

یعنی: خدای بزرگ، سهولت و آسانی را برای شما می‌خواهد، نه سختی و گرفتاری را.

در آیه 286 از سوره بقره نیز، چنین آمده است:

"لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا  
اَكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا نُؤَاخِذُكَ بِإِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ  
عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا

تُحْمَلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ  
مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ".

یعنی: خداوند هیچ کس را، جز به اندازه توانایش، تکلیف نمی‌کند. برای اوست هرچه انجام دهد، و به زیان اوست هر بدی را که بجا آورد. پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی. پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر نفرما و بر ما بیخشای و ما را مشمول رحمت خود قرار ده. تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را در برابر کافران، یاری فرما.

\*\*\*\*\*

## سماحت در احادیث اسلامی

سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) و روایات پیشوایان بزرگ ما نیز، به پیروی از آیات شریفه قرآن مجید، به ترویج از اندیشه سماحت و رفتار توأم با مدارا پرداخته است.

همانگونه که گذشت، رسول خدا (ص) در این زمینه چنین می فرماید:

**"أني أرسلت بحنيفة سمحة".**

یعنی: من با شریعت حق گرا و سهل و آسان فرستاده شده ام.

و در جای دیگر، چنین می فرماید:

**"أحبّ الدين إلى الله الحنيفة السمحة".** (کتاب وسائل الشیعة، کتاب الطهارة، أبواب الماء المضاف، باب 8، حدیث 3).

یعنی: بهترین و محبوب ترین آئین، شریعت حق گرا و همراه با سماحت است.

امام محمد باقر (علیه السلام) نیز، حرج و مشقت  
در دین را نفی می کند و چنین می فرماید:

**إِنَّ الْخَوَارِجَ ضَيَّقُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ بِجَهَالَتِهِمْ ، إِنَّ الدِّينَ  
أَوْسَعُ مِنْ ذَلِكَ.** (وسائل الشيعة، الحديث الثالث من الباب 50  
من أبواب النجاسات).

یعنی: خوارج، بر خودشان سخت گرفتند و عرصه را  
تنگ کردند، اما دین خدا از آنچه آنان پنداشتند،  
وسیع تر و آسان تر است.

یکی از مباح اصیل و افتخار آمیزی که در این عرصه  
به تبیین گستره سماحت و مدارا در اسلام پرداخته  
است، کتاب شریف نهج البلاغه امام علی (علیه  
السلام) می باشد.

از جمله فرازهای این کتاب در این زمینه، نامه  
امیرمؤمنان به مالک اشتر نخعی است که وی را به  
عنوان والی مصر تعیین فرموده بود.

در اینجا بخشی از نامه مذکور را به عنوان شاهد بر مبحث مورد نظر ، یاد آور می شویم:

امام علی (ع) در نامه یادشده چنین می فرماید:

وَأَشْعُرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا صَارِيًا تَعْتَبِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحَقُّ لَكَ فِي الدِّينِ، وَإِمَّا تَطِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ. يَغْرُطُ مِنْهُمْ الرِّزْلُ وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَلُ، يُؤْتَى عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَدِ وَالْخَطَا.

فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ، فَإِنَّكَ فَوْقَهُمْ، وَوَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ، وَاللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَلَائِكَ! وَقَدْ اسْتَكْفَاكَ أَمْرَهُمْ، وَابْتَلَاكَ بِهِمْ.

یعنی: دل خود را مالمال از مهر و محبت به مردم ساز. مبادا چونان حیوان درنده ای باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش. اگر خطایی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و

ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را بیخشای و از آنان در گذر ، همانگونه که دوست داری خدا تو را بیخشاید و از خطای تو در گذرد. همانا تو بالاتر از آنان هستی ، و امام تو بالاتر از تو است ، و خداوند بالاتر و برتر از کسی است که تو را فرمانروایی داده و کار مردم را به تو واگذار نموده و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است.

از این سخنان زیبا، موضع دین مبین اسلام در مورد سماحت و مدارا در برابر مسلمانان و غیر مسلمانان روشن می‌گردد.

امام علی ابن موسی الرضا (ع) نیز، در این زمینه چنین می‌فرماید:

**"لا یكون المؤمن مؤمنا حتی یكون فیہ ثلاث خصال: سنّة من ربّه و سنّة من نبیّه و سنّة من ولیّه. فأما السنّة من ربّه فكنمان سرّه، و اما السنّة من نبیّه فمدارة الناس ، و اما السنّة من ولیّه فالصبر فی البأساء و الضراء".** (اصول کافی، مجلد 3).

یعنی: هیچگاه یک فرد به مقام ایمان واقعی نائل نمی‌گردد، مگر اینکه سه ویژگی را بدست آورد: یک ویژگی را از خدا ، و دیگری را از پیامبر و سومی را امام خود بیاموزد. اما صفتی را که باید از خداوند بیاموزد ، راز داری است. و صفتی را که باید از رسول خدا (ص) یاد بگیرد ، مردم داری است. و صفتی را که باید از امام خود بیاموزد ، صبوری و خویشتن داری است.

بر اساس این سخن، رفتار توأم با سماحت و مدارا، به عنوان سنّت پیامبر گرامی اسلام (ص) به شمار می‌رود و بدون آراسته شدن به این زیور، یک شخص نمی‌تواند به مقام ایمان راستین برسد.

در اینجا، سخن زیبایی از رسول خدا (ص) روایت شده که سماحت و مدارا را به عنوان فریضه ای از فرائض الهی معرفی می‌کند و چنین می‌فرماید:



"أمرني ربي بمدارة الناس كما أمرني بأداء  
الفرائض". (بحار الانوار، مجلد 13).

یعنی: خداوند ، همانگونه که مرا به فرائض و واجبات  
فرمان داده ، همانطور به مدارا امر فرموده است.

از آنجا که بخشودن و چشم پوشی از خطای  
دیگران، نمادی از سماحت و مدارا به شمار  
می روند، امام علی (ع) مالک اشتر را در نامه خود ،  
به تطبیق این دو رفتار ارزشمند فرا می خواند و  
چنین می گوید:

وَلَا تَنْدَمَنَّ عَلَى عَفْوٍ، وَلَا تَبْجَحَنَّ بِعُفُوبَةٍ، وَلَا تُسْرِعَنَّ إِلَى  
بَادِرَةٍ وَجَدْتَ مِنْهَا مَنُذُوحَةً وَلَا تَقُولَنَّ: إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ  
فَأَطَاعَ ، فَإِنَّ ذَلِكَ إِدْغَالٌ فِي الْقَلْبِ، وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ،  
وَتَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ وَإِذَا أَحَدَتْ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ  
أُبْهَةً أَوْ مَخِيلَةً فَانظُرْ إِلَى عِظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَكَ ، وَقُدْرَتِهِ  
مَنْكَ عَلَى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ، فَإِنَّ ذَلِكَ  
يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ وَيَكْفُ عَنْكَ مِنْ غَرَبِكَ وَيَعِيءُ  
إِلَيْكَ بِمَا عَزَبَ عَنْكَ مِنْ عَقْلِكَ.

یعنی: هرگز نسبت به عفو و بخشش دیگران  
پشیمان مباش، و از کیفر کردن شادمان مشو ، و  
نسبت به حدّ و کار تندی که می توانی از آن  
پرهیز کنی شتاب نداشته باش. به مردم نگو به من  
فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید  
اطاعت شوم، زیرا اینگونه خود بزرگ بینی دل را  
فاسد، و دین را پژمرده می سازد ، و موجب نزدیکی به  
غیر خدا می گردد. و اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار  
غرور یا خود بزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت پروردگار  
که برتر از تو است بنگر، که تو را از آن سرکشی نجات  
می‌دهد، و تند روی تو را فرو می‌نشانند، و عقل و  
اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی باز می‌گردانند.

آنگاه، امام علی (ع) ، وی را به مراعات عدل و  
انصاف که از مظاهر سماحت و مدارا هستند دعوت  
می کند و چنین می فرماید:

أَنْصِفِ اللَّهَ وَأَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَمِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ،  
وَمَنْ لَكَ فِيهِ هَوًى مِنْ رَعِيَّتِكَ، فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَظْلِمُ، وَمَنْ  
ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ، وَمَنْ خَاصَمَهُ  
اللَّهُ أَذْحَضَ حُجَّتَهُ، وَكَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتُوبَ.  
وَلَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَتَعْجِيلِ نِعْمَتِهِ  
مِنْ إِقَامَةِ عَلَيِّ ظُلْمٍ، فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِينَ  
(المُضْطَّهَدِينَ)، وَهُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ.

یعنی: با خدا و با مردم ، و با خویشاوندان نزدیک، و  
با افرادی از رعیت خود که مورد علاقه تو هستند ،  
انصاف را رعایت کن، که اگر چنین نکنی ستم روا  
داشتی، و کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد  
خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود، و کسی  
را که خدا با او دشمن شود، دلیل او را نپذیرد، و با  
خدا سر جنگ دارد، مگر اینکه باز گردد، یا توبه کند،  
و هیچ امری مانند ستمکاری ، نعمت خدا را دگرگون  
نمی‌کند، و کیفر او را نزدیک نمی‌سازد.

خدا دعای ستمدیدگان را می شنود و در کمینگاه  
ستمگران است.

\*\*\*\*\*

## سماحت در برخورد با کفار

هر روز ما شاهد تبلیغات زهرآگین دشمنان اسلام هستیم که شریعت ما را به اعمال خشونت در برابر کفار معرفی می کنند و هر صبح و شام در بوق های تبلیغاتی خود می دمند که قرآن ، مسلمانان را برای جنگ بر علیه همه کفار تحریک می کند.

این در حالی است که بر اساس اسناد معتبر و منابع اساسی اسلام، آئین ما دیدگاه بزرگوارانه و توأم با رأفت و سماحت نسبت به عموم کفار دارد، و رعایت صلح و صفا با آنان را تا آنگاه که وارد جنگ بر علیه اسلام و مسلمین نشده اند، لازم می داند.

به منظور اثبات این حقیقت، نمونه هایی از آیات قرآن، روایات اسلامی و اسناد تاریخی را از نظر گرامی شما می گذرانیم:

در آیه 62 از سوره بقره، چنین می خوانیم:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ  
آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ  
رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

یعنی: کسانی که ایمان آورده‌اند، و یهودیان و نصاری  
و صابئان [پیروان حضرت یحیی] ، هر که به خدا و روز  
رستاخیز ایمان آورد ، و عمل صالح انجام دهد،  
پاداش آنان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و  
هیچگونه ترس و اندوهی برای آنان نخواهد بود.

در آیه 75 از سوره مبارکه آل عمران نیز، چنین آمده  
است:

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِعِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ  
مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بَدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ.

یعنی: در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر  
ثروت انبوهی به عنوان امانت به آنها بسپاری، به تو  
باز می‌گردانند؛ و کسانی هم هستند که اگر يك  
دینار به آنان بسپاری، به تو باز نمی‌گردانند.

همچنین در آیات 113 و 114 از سوره آل عمران،  
چنین می خوانیم:

لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ  
آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ . يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ  
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي  
الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ.

یعنی: آنها همه یکسان نیستند؛ از اهل کتاب،  
گروهی هستند که [به حق] قیام می کنند؛ و  
همواره به هنگام شب ، آیات خدا را تلاوت  
می کنند؛ در حالی که در حال سجده هستند. آنان  
به خدا و روز واپسین ایمان می آورند؛ امر به معروف  
و نهی از منکر می کنند؛ و در انجام کارهای نیک،  
سبقت می گیرند؛ و آنها از صالحانند.

در پرتو آیات یادشده، به خوبی روشن می گردد که  
دیدگاه اسلام نسبت به عموم کفار، همراه با  
سماحت و بزرگواری و مدارا و انصاف است.

بر این اساس، تا هنگامی که کفار بر علیه مسلمانان وارد جنگ و یا توطئه نشده باشند، احترامشان در سایه عنایت اسلام، رعایت می شود و حقوق آنان نیز، کاملاً محفوظ است.

### **نمونه هایی از سماحت اسلام با کفار**

در تاریخ اسلام، به فرازهای افتخار آمیزی بر خورد می کنیم که چگونگی رفتار کم نظیر یا بی مانند پیامبر گرامی اسلام با غیر مسلمانان را بر اساس سماحت و مدارا، تبیین می نماید.

یکی از این موارد، کلام رسول خدا (ص) در معاهده میان مسلمانان و کفار یهودی است که متن آن را به شرح ذیل از نظر شما می گذرانیم:

"بسم الله الرحمن الرحيم . هذا الكتاب من محمد النبي بين المؤمنين و المسلمين من قريش و يثرب و من تبعهم فلحق بهم و جاهد معهم , انهم امة واحدة من دون الناس ... و ان من تبعنا من يهود فان له النصر و



الاسوة غير مظلومين و لا متناصر عليهم, و ان يهود بني  
عوف آمنة من المؤمنين , لليهود دينهم و للمسلمين  
دينهم مواليهم و انفسهم الا من ظلم و اثم...

لليهود دينهم و للمسلمين دينهم... و من تبعنا من يهود  
فان لهم النصر و الاسوة، غير مظلومين و لامتناصر  
عليهم... و ان بطانة يهود و مواليهم كأنفسهم.. و ان  
اليهود ينفقون مع المؤمنين ماداموا محاربين، و على  
اليهود نفقتهم، و على المسلمين نفقتهم، و ان بينهم  
النصر على من حارب أهل هذه الصحيفة ...

و ان بينهم النصح و النصيحة و البر المحض من أهل  
هذه الصحيفة دون الإثم، لا يكسب كاسب إلا على  
نفسه "

يعنى: به نام خداوند بخشنده مهربان. این نامه،  
معاهده ای است از جانب محمد پیامبر، میان  
مؤمنان و مسلمانان از قریش و اهالی مدینه و اتباع  
آنها که به ایشان پیوسته اند و همراه آنان جهاد  
کرده اند، اینان امتّ واحده محمد هستند، نه  
دیگران...، هر کدام از یهود که از ما پیروی کرده اند،  
باید یاری شوند و نباید مظلوم واقع گردند و نباید بر

علیه ایشان اقدامی شود، و یهودیان بنی عوف باید در امان مؤمنان باشند، مگر اینکه کسی ستم کند یا جرمی مرتکب گردد...

یهودیان در دین خود آزادند، و مسلمانان در دین خود آزادند ... و یهودیانی که از ما پیروی کنند باید مورد حمایت قرار گیرند و نباید به آنان ظلم شود...، بستگان و همراهان یهودیان نیز مانند آنان هستند... باید میان آنان خیرخواهی و نصیحت باشد، و نیکی محض میان طرف های این قرارداد حاکم گردد، بدون معصیت و گناه، و هیچکس غیر از دسترنج خود، چیزی بدست نمی آورد.

نمونه دیگر ، معاهده پیامبر اسلام (ص) است که میان مسلمانان و مسیحیان نجران به امضاء رسیده و سماحت و مدارای اسلام و غیر مسلمانان را نشان می دهد.

در اینجا، متن آن معاهده را نیز یادآور می شویم:

"و لنجران و حاشيتها، و لأهل ملتها، و لجميع من ينتحل دعوة النصرانية في شرق الأرض و غربها، قريتها و بعيدها، فصيحها و أعجمها، حوار الله و ذمة محمد النبي رسول الله، و على أموالهم، و أنفسهم و ملتهم، و غائبهم و شاهدهم، و عشيرتهم، و بيعهم، و كل ما تحت أيديهم من قليل أو كثير. لا يغير أسقف من أسقفية، و لا راهب من رهبانية .. و لا يطاء أرضهم جيش.. و أن أحمي جانبهم، و أذب عنهم و عن كنائسهم و بيعهم و بيوت صلواتهم.. و أن أحرس دينهم و ملتهم أين كانوا.. بما أحفظ به نفسي و خاصيتي و أهل الإسلام من ملتي".

يعنى: همه مسيحيان منطقه نجران و حومه آن، و هم كيشان آنان و همه آنان كه به آئين نصرانيت هستند از شرق تا غرب زمين، چه نزديك باشند و چه دور، چه عرب باشند و چه عجم، همه آنان در حوار رحمت خداوند بايد در امن و امان باشند، و بايد در پناه محمد قرار داشته باشند، و بايد مال و جان و آئين آنان چه حاضرشان و چه غائبشان و قبيله آنان و كليساهايشان و آنچه را دارند، چه كم و چه زياد،

همه محفوظ و در امان باشد. هیچ اسقفی از شغل خود عزل نمی شود ، و هیچ راهبی از رهبیت خود برکنار نمی گردد...

لشکر اسلام نباید زمین آنان را پایمال کند، و ما باید از آنان حمایت کنیم و از آنان و کنیسه ها و معابد و نمازخانه های آنان دفاع نماییم...

من از دین و آئین آنان در هرکجا که هستند، حراست می کنم، همانگونه که از خودم و اهل بیتم و اهل اسلام حفاظت می نمایم.

(در مورد دو سند فوق، رجوع شود به مجموعه اسناد و مدارک سیاسی در عصر نبوی ، به کوشش حمید الله حیدرآبادی، چاپ قاهره، سال 1956 میلادی).

این بود نمونه هایی از رفتار شارع مقدّس اسلام با کفار و غیر مسلمانان.

از اینرو، پیروان مکتب انسان ساز اسلام نیز، پس از رسول گرامی خود، با همان شیوه با غیر مسلمانان رفتار نموده اند.

بر این اساس، شرق شناس معروف بریطانیایی، سر توماس آرنولد (1864-1930) در زمینه رفتار شایسته مسلمانان با کفار، چنین می نگارد:

"انصاف این است که بگوییم: غیر مسلمانان در سرزمین های اسلامی اجمالا در سایه حکومت اسلامی، از نعمت برخوردار بوده اند، و تسامح مسلمانان با ایشان در حدّی بوده که نظیر آن را نمی یابیم، مگر در عصر جدید در اروپا. دوام و بقاء طوایف مسیحی در میان سرزمین های اسلامی ثابت می کند که اگر در برخی از اوقات، ستمی از سوی برخی افراد متعصّب بر آنان رفته ، ناشی از مسائل محلّی بوده است، نه به خاطر عدم تسامح مسلمانان به طور عام". (کتاب دعوت به اسلام، نوشته توماس آرنولد، طبع قاهره، ص 729).

ممکن است خواننده گرامی این سؤال را مطرح کند که اگر دین اسلام، مکتب سماحت و مدارا با غیر مسلمانان است، پس چرا در برهه هایی از زمان، بعضی از فرقه های کفار، مورد آزار قرار گرفته اند؟ در پاسخ این پرسش، سخن نویسنده معروف مسیحی، "دکتر جرج قرم" را از نظر شما می گذرانیم:

"دوران درگیری و ناملايمات برای غیر مسلمانان در تمدن اسلامی، کوتاه بوده، و به خاطر سه عامل به شرح ذیل صورت پذیرفته است:

عامل اول: سلیقه شخصی برخی از خلفاء و سلاطین بوده است، به نحوی که بزرگترین آزارها در حق اهل ذمه در زمان "متوکل عباسی" (206-247هـ=821-861م) یعنی خلیفه ای که ذاتا متمایل به تعصب و سنگدلی بوده صورت گرفته است، و آزار دیگر، در زمان خلافت "الحاکم بأمر الله" (375-411هـ=985-1021م) انجام گردیده . اما هر دو

حاکم یادشده، ظلم و ستمشان، شامل حال بسیاری از مسلمانان نیز بوده است.

عامل دوم: عبارت بوده است از بدی وضع اقتصادی و اجتماعی در سرزمین مسلمانان ، و اینکه بعضی از کفار که در مناصب اداری بالایی بوده اند، به ظلم و اجحاف پرداخته اند و مایه خشم عموم مردم آن سرزمین گردیده اند.

عامل سوم: به زمانهایی مربوط می شود که برخی از دولت های بیگانه به کشورهای مسلمان حمله می کردند و بعضی از کفار ساکن آن کشورهای اسلامی با دولت های اجنبی بر علیه مسلمانان همکاری داشته اند.

حاکمان کشورهای بیگانه از جمله انگلیس، ابایی نداشتند که اقلیت های مذهبی ساکن در

کشورهای مسلمان (مثل قبطی ها) را بر علیه اکثریت مسلمان به کار گیرند و آن کشور را استثمار نمایند.

با مطالعه تاریخ به این نتیجه می رسیم که این پدیده در کشورهایمانند سوریه به وقوع پیوسته که بر اساس آن، اقلیت نصرانی با بیگانگان هم پیمان شدند و مناصب مهم اقتصادی را اشغال کردند و موجب خشم اکثریت مسلمان منطقه گردیدند و در سال 1860 میلادی، درگیری های گسترده ای را میان مسیحیان و مسلمانان در دمشق، به وجود آوردند.

چنین درگیری هایی در سال های 1840 و 1860 میلادی نیز میان مارونی ها و دروزی ها در منطقه جبال لبنان به وقوع پیوست.

در پایان حمله های صلیبی نیز، در برخی از مناطق، شاهد انتقام گیری طرفین از یکدیگر بوده ایم. مانند



برخورد با برخی از مسیحیان، مانند ارمنی ها که با  
متجاوزان به بلاد مسلمانان، همکاری داشته اند".

(برای توضیح بیشتر، رجوع شود به کتاب: تعدد الأديان ونظم  
الحكم: دراسة سوسيولوجية وقانونية مقارنة، ص 211 - 224 ،  
طبع بيروت، سال 1979م؛ و كتاب الملل والنحل والأعراق،  
نوشته دكتور سعدالدين ابراهيم، ص 729 و 730 ، طبع قاهره،  
سال 1990م).

\*\*\*\*\*

## نماد های سماحت در اسلام

اینک به شرح برخی از نمادهای سماحت در دین  
مبین اسلام می پردازیم:

### آزادی

نخستین مظهر سماحت اسلام ، آزادگی و آزادی  
اندیشه است. قرآن کریم ، پیامبر بزرگ اسلام (ص)  
را به عنوان پیام آور رهایی و منادی آزادی معرفی  
می کند و چنین می فرماید :

"الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا  
عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ  
عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ  
وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ". (سوره  
اعراف ، آیه 157).

یعنی : مؤمنان کسانی هستند که از پیامبر خدا  
پیروی می کنند که او را در تورات و انجیل یافته اند و  
آنان را به کارهای شایسته فرمان می دهد و از

کارهای ناروا باز می دارد و امور پاکیزه را حلال و امور پلید را بر آنان حرام می کند و آنان را از بار مشقت رها می سازد و از یوغ اسارت آزاد می کند.

امام علی (ع) نیز، چنین می فرماید:

"لا تكن عبد غيرك، و قد جعلك الله حراً". (نهج البلاغه، نامه شماره 31؛ و بحار الانوار، جلد 47).

یعنی: برده دیگران مباش، زیرا خدا تو را آزاد آفریده است.

در زمینه آزادی فکر و اندیشه نیز، قرآن مجید چنین می فرماید:

"وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ. الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ". (سورة الزمر، الآيات 17 و 18).

یعنی: و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خدا باز گشتند، بشارت از آن آنهاست؛ پس بندگان مرا مژده ده . همان کسانی که سخنان

را می‌شنوند و بهترین آنها را پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان فرموده، و آنها خردمندانند.

### عدالت

دین مبین اسلام، به عدالت گستری امر کرده است و قرآن مجید در این زمینه چنین می‌فرماید:

"إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ". (سوره نحل آیه 90).

یعنی: خداوند، به عدل و احسان، فرمان می‌دهد.

قرآن مجید، در جای دیگر چنین می‌فرماید:

"لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...". (سوره حدید، آیه 25).

یعنی: ما پیامبران را فرستادیم، و همراه آنان، کتاب آسمانی و میزان تشخیص حق و باطل را فرو فرستادیم، تا مردم، عدالت را برپا دارند.

## ممنوعیت شکنجه

پیامبر گرامی (ص) در حدیثی که بیهقی و حاکم

نیشابوری روایت کرده اند، چنین می فرماید:

"إِنَّ اللَّهَ يَعْذَّبُ الَّذِينَ يَعْذَّبُونَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا".

یعنی: خداوند، کسی را که مردم را شکنجه کند،

مجازات خواهد کرد.

در حدیث دیگری که هر دو گروه شیعه و سنی

روایت کرده اند، اقراری که با شکنجه گرفته شود،

فاقد اعتبار و بی ارزش معرفی شده است.

رسول خدا (ص) در حدیثی که ابن ماجه آن را روایت

کرده ، چنین می فرماید:

"إِنَّ اللَّهَ وَضَعَ عَنِ أُمَّتِي الْخَطَأَ وَالنَّسِيَانَ وَ مَا اسْتَكْرَهُوا

عليه".

یعنی: خداوند، خطا و فراموشی و آنچه را بر آن

مجبور شوند، کنار گذاشته است. (یعنی : روی آنها

حساب نمی شود).

## مساوات

قرآن مجید، منشور مساوات همه انسانها و برابری همه نژادها را با صراحت بیان فرموده و در این زمینه چنین می گوید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. (سوره حجرات، آیه 13).

یعنی: ای مردم! ما شما را از يك مرد و زن آفریدیم، و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پارساترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.

علاوه بر آیه فوق، روایات ارزشمندی نیز از پیشوایان بزرگ اسلام، در زمینه مساوات همه نژادها رسیده است، که نمونه ای از آنها را یادآور می شویم:

جابر بن عبد الله می گوید:

خطبنا رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم) في وسط أيام التشريق خطبة الوداع فقال: يا أيها الناس ألا إن ربكم واحد، ألا إن أباكم واحد، ألا لا فضل لعربي على

عجمي، ولا لعجمي على عربي، ولا لأسود على أحمر،  
ولا لأحمر على أسود، إلا بالتقوى، إن أكرمكم عند الله  
أتقاكم.

ألا هل بلغت؟

قالوا: بلى يا رسول الله.

قال: فليبلغ الشاهد الغائب. (تفسير قرطبي، جلد 9؛ و بحار  
الانوار، جلد 15).

یعنی: در میان ایام تشریق، پیامبر گرامی اسلام  
(ص) خطبه وداع خود را ایراد نمود، و در ضمن آن  
چنین فرمود:

ای مردم! بدانید که پروردگار شما یکی است، و پدر  
شما (یعنی حضرت آدم) یکی است، بدانید که هیچ  
فضیلت و برتری برای عرب بر عجم نیست، و نه برای  
عجم بر عرب، و نه برای سیاه بر سرخ، و نه برای  
سرخ بر سیاه، مگر در پرتو تقوا و پارسایی. همانا،  
گرامی ترین شما در نزد خدا، پرهیزکارترین  
شماست.

آنگاه پیامبر فرمود: آیا پیام را رساندم؟

حاضران گفتید: آری، ای رسول خدا.

پیامبر فرمود: پس حاضران، این پیام را به غائبان  
برسانند.

### حق پناهندگی

یکی از مظاهر تسامح در اسلام، حق پناهندگی  
مظلومینی است که از دست ستمگران یا از اوضاع  
وخیم سیاسی یا اقتصادی کشوری به سرزمین  
دیگری فرار می کنند و در آنجا تقاضای پناهندگی  
می نمایند.

قرآن مجید در این زمینه چنین می فرماید:

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ  
كَلِمَةَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ. (سورة التوبة، الآية 6).

یعنی: اگر یکی مشرکان از تو طلب پناهندگی کرد،  
پناهِش ده، باشد که سخن خدا را بشنود، آنگاه  
جایگاه امن او را در اختیار او قرار ده.



## کرامت انسانی

قرآن مجید، به عنوان کلام خدا، انسان را به طور کلی گرامی داشته و کرامت او را بدین صورت، یادآور می‌گردد:

"و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیّبات و فضّلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً". (سوره اسری، آیه 70).

یعنی: و ما بنی آدم را اکرام کردیم ، و آنانرا در خشکی و دریا حمل نمودیم ، و از پاکیره ها آنان را روزی دادیم ، و آنها را بر بسیاری از آفریدگان خود برتری بخشیدیم.

## حقوق انسان

انسان معاصر، به تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال 1948 میلادی به تصویب رسیده ، افتخار می کند، در حالی که اسلام، بیش از هزار سال قبل، به تنظیم و بیان حقوق انسان پرداخته است.

در اینجا، نمونه هایی از حقوق انسان از دیدگاه اسلام را از نظر شما می گذرانیم:

## حق حیات

قرآن مجید در این زمینه ، چنین می فرماید:

مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا  
يَعْبُدُ نَفْسًا أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا  
وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا. (سورة مائدة، آية  
32).

یعنی: بدین سبب، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد بر روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده گردانیده است.

## حقوق عموم مردم

در صفحات پیشین، بخشی از نامه امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر را از نظر شما گذرانیدیم، اینک، بخش دیگری از آن سند افتخار آمیز حقوق انسان از دیدگاه اسلام را یادآورد می شویم:

امیر مؤمنان (ع) چنین می فرماید:

وَلَيْكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ، فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجِيفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَإِنَّ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يُغْتَفَرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ. وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِي مَوْوَنَةً فِي الرَّخَاءِ، وَأَقْلَّ مَعُونَةً لَهُ فِي الْبَلَاءِ، وَأَكْرَهَ لِلإِنِّصَافِ، وَأَسْأَلَ بِالِإِحْفَافِ وَأَقْلَّ شُكْرًا عِنْدَ الإِغْطَاءِ، وَأَبْطَأَ عُذْرًا عِنْدَ الْمَنِّعِ، وَأَضْعَفَ صَبْرًا عِنْدَ مُلِمَاتِ الدَّهْرِ مِنْ أَهْلِ الْخَاصَّةِ، وَإِنَّمَا عَمُودُ الدِّينِ، وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ، وَالْعِدَّةُ لِلِإِعْدَاءِ، الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ. فَلْيَكُنْ صِعُوكَ لَهُمْ، وَمَيْلُكَ مَعَهُمْ.

یعنی: باید محبوب ترین کار در نزد تو ، میانه ترین آنها در حق، گسترده ترین آنها در عدل ، و فراگیرترین

آنها در جلب رضایت عموم مردم باشد. زیرا خشم عموم مردم، خشنودی خواص را از بین می‌برد، ولی خشم خواص را خشنودی عموم مردم بی‌اثر می‌کند. خواصّ جامعه، سنگین‌ترین بار را در هنگام رفاه و گشایش بر حکومت تحمیل می‌کنند، و کمترین کمک را در روزگار سختی بر عهده می‌گیرند، و در اجرای عدالت و انصاف از همه ناراضی‌ترند، و درخواست‌هایشان مصرانه‌تر است، و در قبال عطا و بخشش ناسپاس‌تر، و به هنگام منع خواسته‌ها عذر ناپذیرتر، و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر هستند. در صورتی که ستون استوار دین، و اجتماع مسلمین، و نیروی ذخیره دفاعی در برابر دشمنان، عموم مردم می‌باشند. پس به آنها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آنان باشد.

آن حضرت در خصوص لزوم حفظ اسرار مردم و صیانت از آبروی انسان‌ها چنین می‌فرماید:

**وَلْيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ، وَأَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلَبُهُمْ لِمَعَابِيِ  
 النَّاسِ، فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا، الْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا،  
 فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا  
 ظَهَرَ لَكَ، وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ، فَاسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا  
 اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ.  
 أَطْلِقِ عَنِ النَّاسِ عُقْدَةَ كُلِّ حِفْذٍ وَأَفْطَعْ عَنْكَ سَبَبَ كُلِّ  
 وِثْرٍ وَتَغَابَ عَنْ كُلِّ مَا لَا يَصِحُّ لَكَ، وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْذِيقِ  
 سَاعٍ، فَإِنَّ السَّاعِيَّ عَاشٌ، وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ.**

یعنی: عیب جویان باید بیش از همه از تو دورتر و  
 مورد تنفر بیشتر باشند. زیرا در مردم عیوبی وجود  
 دارد که فرمانروا در پنهان داشتن آنها سزاوارتر از  
 دیگران است، پس مبدا آنچه بر تو پنهان است  
 آشکار گردانی ، تو فقط عیوبی را که آشکار شده  
 است باید تطهیر کنی. داوری در آنچه از تو پنهان  
 است با خداوند است ، پس چندان که می‌توانی  
 عیب ها را بپوشان، تا آن را که دوست داری بر  
 رعیت پوشیده ماند خدا بر تو بپوشاند ، گره هر  
 کینه‌ای را در مردم بگشای، و ریشه هر ستمی را  
 قطع کن، و از آنچه که در نظرت روشن نیست

اجتناب کن. در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس پند دهندگان ظاهر می‌شود اما خیانتکار است.

امام علی (ع) در زمینه حسن ظن و خوشگمانی نسبت به مردم ، و لزوم جلب رضایت آنان، چنین می‌فرماید:

وَالصَّقِيُّ يَأْهَلُ الْوَرَعَ وَالصَّدْقَ، ثُمَّ رُضُّهُمْ عَلَيَّ أَلَّا يُطْرُوكَ  
وَلَا يَبْجَحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الْأَطْرَاءِ تُخْدِثُ  
الرَّهْوَ وَتَدْنِي مِنَ الْعِزَّةِ. وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ  
عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةٍ سَوَاءٍ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيداً لِأَهْلِ  
الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ، وَتَذْرِيباً لِأَهْلِ  
الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ، وَالزَّمُّ كُلُّهُ مِنْهُمْ مَا أَلْزَمَ  
نَفْسَهُ. وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ يَأْدَعِي إِلَى حُسْنِ ظَنِّ  
وَالِ بَرَعِيَّتِهِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ، وَتَخْفِيفِهِ الْمَوْؤَنَاتِ  
عَلَيْهِمْ، وَتَرْكِ اسْتِكْرَاهِهِ إِيَّاهُمْ عَلَيَّ مَا لَيْسَ لَهُ قِبَلَهُمْ ،  
فَلْيَكُنْ مِنْكَ فِي ذَلِكَ أَمْرٌ يَجْتَمِعُ لَكَ بِهِ حُسْنُ الظَّنِّ  
بِرَعِيَّتِكَ ، فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ يَغْطِئُ عَنْكَ نَصَابَ طَوِيلًا، وَإِنَّ  
أَحَقَّ مَنْ حَسَنَ ظَنُّكَ بِهِ لَمَنْ حَسَنَ بِلَاؤُكَ عِنْدَهُ، وَإِنَّ

أَحَقُّ مَنْ سَاءَ ظَنُّكَ بِهِ لَمَنْ سَاءَ بِلَاؤُكَ عِنْدَهُ. وَلَا تَنْغُضْ  
سُنَّتَهُ صَالِحَةً عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَاجْتَمَعَتْ بِهَا  
الْإِثْمَةُ، وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ، لَا تُحَدِّثَنَّ سُنَّتَهُ تَضُرُّ  
بِشَيْءٍ مِنْ مَاضِيِ تِلْكَ السُّنَنِ، فَيَكُونَ الْأَخْرُ بِمَنْ  
سَنَّهَا، وَالْوِزْرُ عَلَيْكَ بِمَا نَقَضْتَ مِنْهَا. وَأَكْثَرُ مَدَارِسَةِ  
الْعُلَمَاءِ، وَمُتَافَتَةِ الْحُكَمَاءِ، فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ  
بِلَادِكَ، وَإِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ.

یعنی: با پرهیزکاران و راستگویان باش ، و آنان را  
چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند، و تو را برای  
باطلی که انجام نداده‌ای ترغیب نکنند ؛ زیرا ستایش  
زیاد ، تکبر و خود پسندی می‌آورد، و عزت انسان را  
کاهش می دهد. هرگز نیکو کار و بدکار در نظرت  
یکسان نباشند، زیرا اگر آنان را یکسان بدانی ،  
نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت، و بدکاران در بد  
کاری تشویق می‌گردند، پس هر کدام از آنان را بر  
اساس کردارشان پاداش ده. بدان ای مالک هیچ  
وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از  
احسان به مردم، و تخفیف هزینه ها ، و عدم اجبار

مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد، پس در این راه بکوش تا به وفاداری رعیت، خوشبین شوی ، که این خوشبینی رنج طولانی را از تو دور می‌سازد. پس به آنان که بیشتر احسان کردی بیشتر خوشبین باش، و به آنان که بد رفتاری کردی بد گمان و بی اعتمادتر باش. سنت های پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند، و ملت اسلام با آن پیوند خورده، و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزن، و سنتی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند پدید نیاور ، که پاداش برای آورنده سنت های نیکو ، و کیفر آن برای تو باشد که آنها را در هم شکستی. در آنچه مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشته است، با دانشمندان ، فراوان گفتگو کن ، و با خردمندان فراوان معاشرت داشته باش.



همچنین، امام علی (ع)، مالک اشتر را فرمان می دهد تا فرماندهان را از میان صاحبان سماحت و افراد کریم و بزرگوار انتخاب نماید ، و چنین می فرماید:

قَوْلٌ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ اللَّهُ وَلِرَسُولِهِ  
وَلِإِمَامِكَ، وَ أَنْعَاهُمْ حَيْبًا ، وَأَفْضَلَهُمْ حِلْمًا ، مِمَّنْ  
يُنْطِئُ عَنِ الْعَصَبِ، وَيَسْتَرْجِحُ إِلَى الْعِذْرِ ، وَ يَرَأْفُ  
بِالضُّعْفَاءِ ، وَيَنْبُو عَلَى الْأَقْوِيَاءِ، وَمِمَّنْ لَا يُبِيرُهُ الْعُنْفُ،  
وَلَا يَفْعُدُ بِهِ الضَّعْفُ. ثُمَّ الصَّقُ بَدْوِي الْمُرُوءَاتِ  
وَالْأَخْسَابِ، وَأَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالسَّوَابِقِ  
الْحَسَنَةِ، ثُمَّ أَهْلِ النَّجْدَةِ وَالشَّجَاعَةِ، وَالسَّخَاءِ  
وَالسَّمَاخَةِ، فَإِنَّهُمْ جِمَاعٌ مِنَ الْكَرَمِ وَشَعَبٌ مِنَ الْعُرْفِ.

یعنی: برای فرماندهی سپاهیان خویش کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر (ص) و امام تو بیشتر ، و درستکارتر ، و شکیبیا تر باشد ؛ از کسانی که دیر به خشم آید، و عذر پذیرتر باشد، و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان، با قدرت برخورد کند، درشتی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را به زانو در نیاورد. آنگاه با مردمان جوانمرد و ریشه دار،

و خاندان های نیکوکار و دارای سوابقی شایسته ،  
و افراد دلاور و سلحشور و بخشنده و بلند نظر  
همراه باش. زیرا آنان دارای بزرگواری و صاحب خوبی  
هستند.

در پایان، امیر مؤمنان (ع)، مالک را به رسیدگی به  
افشار آسیب پذیر جامعه امر می فرماید، تا کرامت  
این دسته از انسان ها نیز، محفوظ بماند:

ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ  
وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلَ الْبُؤْسَى وَالزَّمْتَى فَإِنَّ  
فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا ، وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ  
مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَقِسْمًا  
مِنْ عِلَّاتِ صَوَافِي الْأَسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ، فَإِنَّ  
لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَقْصَى، وَكُلُّ قَدٍ  
اسْتُرِعِيَتْ حَقُّهُ، فَلَا يَشْعَلَنَّ عَنْهُمْ بَطْرٌ فَإِنَّكَ لَا تُعْذَرُ  
بِتَضْيِيعِ النَّافِهِ لِإِحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهْمِّ. فَلَا تُشْخِصَنَّ  
هَمَّكَ عَنْهُمْ، وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لَهُمْ وَتَقَعُدْ أُمُورَ مَنْ لَا  
يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَغْتَجِمُهُ الْعُيُونُ وَتَحْقِرُهُ الرِّجَالُ،  
فَعَرِّعْ لِأَوْلِيكَ ثِقَّتَكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَالتَّوَاضُّعِ، فَلْيَرْفَعْ

إِلَيْكَ أُمُورَهُ بِالْأَعْدَارِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ تَلْقَاهُ، فَإِنَّ هَؤُلَاءِ مِنْ بَيْنِ الرَّعِيَّةِ أَحْوَجُ إِلَيَّ إِلَى النَّصَافِ مِنْ غَيْرِهِمْ، وَكُلُّ فَاعِذِرٍ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي تَأْذِيَةِ حَقِّهِ إِلَيْهِ. وَتَعَهَّدُ أَهْلَ الْيَتِيمِ وَذَوِي الرَّقَّةِ فِي السَّنِّ مِمَّنْ لَا حِيلَةَ لَهُ، وَلَا يَنْصِبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ، وَذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ تَقِيلاً، وَالْحَقُّ كُلُّهُ تَقِيلاً، وَقَدْ يُخَفِّفُهُ اللَّهُ عَلَى أَقْوَامٍ طَلَبُوا الْعَاقِبَةَ فَصَبَرُوا أَنْفُسَهُمْ، وَوَعَدُوا بِصِدْقِ مَوْعُودِ اللَّهِ لَهُمْ. وَاجْعَلْ لِذَوِي الْحَاجَاتِمِ مِنْكَ قِسْماً تُفَرِّعُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ، وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِساً عَامّاً، فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَتَقْعُدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَعَنِّعٍ. فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ : «لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلصَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْعَوِيِّ غَيْرَ مُتَعَنِّعٍ». ثُمَّ اخْتَمَلَ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ، وَنَجَّ عَنْكَ الصِّيقَ وَالْأَنْفَ يَنْسُطُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافِ رَحْمَتِهِ، وَيُوجِبُ لَكَ نَوَابَ طَاعَتِهِ، وَأَعْطَى مَا أَعْطَيْتَ هَبِيئاً، وَامْنَعْ فِي إِجْمَالٍ وَإِعْدَارٍ.

یعنی: آنگاه، خدا را در نظر داشته باش در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران،

دردمندان. همانا در این طبقه محروم، گروهی خویشان داری کرده، و گروهی دیگر دست نیاز دراز می کنند، پس برای خدا پاسدار حقیّی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت المال، و بخشی از غلّه‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن هستی. مبدا سر مستی حکومت تو را از رسیدگی به محرومان باز دارد. انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترك مسئولیت‌های كوچك‌تر نخواهد بود. همواره در فكر مشكلات آنان باش، و از آنان روی بر مگردان، به ویژه امور کسانی را بیشتر رسیدگی کن که به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را كوچك می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای رسیدگی به این گروه، افرادی را برگزین که مورد اطمینان تو هستند و خدا

ترس و فروتن می باشند، تا با بررسی، مسائل آنان را به تو گزارش کنند. آنگاه در رفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند، و حق آنان را به گونه‌ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی.

از یتیمان خردسال، و پیران سالمند که راه چاره‌ای ندارند، و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش فرمانروایان است، اگر چه حق، سنگین است اما خدا آن را بر مردمی آسان می‌کند که آخرت می‌طلبند، و نفس را به شکیبایی وا می‌دارند، و به وعده‌های پروردگار اطمینان دارند. پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجالس عام با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان

دور کن تا سخنگوی آنان بدون واژه از آنان با تو گفتگو کند. من از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ بارها شنیدم که می‌فرمود: «ملتتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بدون لکنت کلام و بهانه‌ای باز نستانند، رستگار نخواهد شد» پس درشتی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن، و تند خوئی و خود بزرگ بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید، و تو را پاداش اطاعت ببخشد. آنچه به مردم می‌بخشی باید بر تو گوارا باشد، و اگر چیزی را از کسی باز می‌داری با مهربانی و عذر خواهی همراه باشد.

آنچه بیان شده، نمونه‌هایی از مظاهر و نمادهای سماحت اسلامی بود که به طور فشرده از نظر گرامی شما گذشت.

\*\*\*\*\*